



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۹/۱۸

ولی شاکر

من از آن شهرم که آنجا عشق ورزیدن گناهست

من از آن شهرم که آنجا عشق ورزیدن گناهست
من از آن خاکم که در آن دوستی کار خطاست

دین من یعنی خشونت، مذهبم بی دانشی
گر چه در ظاهر مسلمانم، خرافاتم خداست

چشم جان کور تعصب، روح من بیمار رشک
آن ضمیری که ندارم تیره از نفرت، کجاست؟

در پی عشاق عالم گشته ام امیدوار
تا بیابم عاشقی را که عاشق صلح و صفاست

جمعی از دیو و هیولا و بلا بی رحمت
اندر این دنیای خوب، اینگونه آدمها چراست؟

وای بر آن مردمی که با محبت دشمن اند
وای بر آن آدمی که با تمدن ناآشناست

مشکني شاکر دل بیرنگ چون آینه را
چهار سو افتاده سنگ حيله و مکر و ریاست